

US foreign policy in East Asia with emphasis on India and China

Jalaluddin Salimi ¹
Alireza rezaei ²

ABSTRACT

After the collapse of the Soviet Union, Chinese leaders sought to enter a new phase of their global position by expanding trade and economic cooperation with other countries, but China's economic rise, according to US politicians, could be seen as a threat to its economic power. It has been considered in military, cultural and ideological dimensions. In this regard, the United States has sought to contain China with various means, one of the priorities of which is to expand cooperation with some powerful Asian countries such as India. The question of this article, which is a collection of library documents and descriptive analytical method, is what is the position and importance of India in the foreign policy of the United States with an emphasis on curbing the Chinese uprising? And in answer to this question, the hypothesis is that India's position in US foreign policy is due to its nuclear capability, large population, geographical proximity to China, growing economic power, and Western values such as democracy in order to curb influence and expand power. China has been in the spotlight.

Keywords: China, USA, India, International System, East Asia

¹ PhD student in International Relations; science and research Branch;
Islamic Azad university; Tehran; iran. **Jalal.saalimii@gmail.com**

² Associate Professor of International Relations, Islamic Azad University,
Hamadan Branch, Iran. **IR.Alirezarezaei@gmail.com**

سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در شرق آسیا با تأکید بر هند و چین

جلال الدین سلیمی^۱

علیرضا رضایی^۲

چکیده

بعد از فروپاشی شوروی، رهبران چین تلاش کردند با گسترش همکاری‌های تجاری، اقتصادی با دیگر کشورها وارد مرحله تازه‌ای از موقعیت خود در جهان شوند اما خیزش اقتصادی چین به تعبیر سیاستمداران آمریکا به‌عنوان یک تهدید علیه قدرت اقتصادی آن می‌تواند تلقی شود که عواقب آن در ابعاد نظامی، فرهنگی، ایدئولوژیکی مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا ایالات متحده آمریکا به دنبال مهار چین با ابزارهای مختلف بوده است که یکی از اولویت‌های این کشور گسترش همکاری با برخی کشورهای قدرتمند آسیا چون هند است. سؤال این مقاله گردآوری شده اسناد کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی توصیفی، این است که جایگاه و اهمیت هند در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا با تأکید بر مهار خیزش چین چیست؟ و در پاسخ به این پرسش فرضیه مطرح شده این است که جایگاه هند در سیاست خارجی آمریکا به سبب قابلیت هسته‌ای بودن، جمعیت فراوان، نزدیکی جغرافیایی به چین، قدرت رو به رشد اقتصادی و ارزش‌هایی همسو با غرب چون دموکراسی در جهت مهار نفوذ و گسترش قدرت چین مورد توجه بوده است.

واژگان کلیدی: چین، آمریکا، هند، نظام بین‌الملل، شرق آسیا

^۱ دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

Jalal.saalimii@gmail.com

مسئول).

^۲ دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران

مقدمه

ظهور چین به عنوان قدرتی بزرگ در عرصه بین‌المللی از دوران پس از جنگ سرد تاکنون به متغیری مهم و تأثیرگذار بر روابط دو کشور آمریکا و هند تبدیل شده است. در واقع خیزش چین چرخه انتقال قدرت آمریکا در غرب را به شرق آسیا تسهیل می‌کند که این جابه‌جایی قدرت برای آمریکا در سطح جهان بسیار پرهزینه و مخاطره‌آمیز خواهد بود. آمریکا جهت تقابل با خیزش چین سیاست نگاه به شرق را اتخاذ کرده است و در این راستا نزدیکی به کشور هند اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی آسیایی ایالات متحده آمریکا دارد. هند در موقعیت ژئوپلیتیکی بسیار خوبی قرار دارد زیرا از طرفی به چین نزدیک است و از سوی دیگر دارای ظرفیت‌های بسیار مناسب در مهار قدرت چین است. به تعبیر برخی جایگاه هند حتی به عنوان یک کشور برای سیاست خارجی آمریکا حیاتی‌تر از آن است که تنها به عنوان ابزاری علیه چین تلقی شود چراکه هند جز کشورهای آسیایی است که می‌تواند به عنوان الگوی موفق برای جهان سوم نیز تبدیل شود. قابل ذکر است که هند و آمریکا دو دوره کاملاً متفاوت را در روابط خود تجربه کرده‌اند و روند این رابطه از قرار گرفتن در دو بلوک متفاوت، طی سال‌های ۱۹۴۷-۲۰۰۰، تا توسعه سریع روابط از سال ۲۰۰۰ تاکنون، تغییر کرده است. روابط این دو کشور از زمان استقلال هند در ۱۹۴۷ تا پایان جنگ سرد از پویایی خاصی برخوردار نبود. در این دوره هند نخست با در پیش گرفتن سیاست «عدم تعهد» و در مراحل بعد با نزدیکی به شوروی، در پی توسعه روابط با آمریکا نبود. روابط این دو قدرت پس از جنگ سرد و به خصوص از اوایل هزاره جدید گسترش قابل توجهی یافته است، البته به جز هنگامی که هند در سال ۱۹۹۸ دست به آزمایش‌های هسته‌ای زد و روابط دو کشور تیره شد. تقویت همکاری‌های استراتژیک پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بین هند و آمریکا به عنوان تلاشی هماهنگ در راستای تحقق بخشیدن به ظرفیت کامل روابط اقتصادی بین دو کشور بود. تاکنون مکانیسم‌های نوآورانه مهمی در این راه استفاده شده که شرکت و عضویت در مؤسسات و نهادهای اقتصادی چندجانبه یکی از مهم‌ترین آن‌ها به حساب می‌آید.

با این توضیحات با پایان یافتن جنگ سرد و بخصوص در آغاز هزاره جدید ما شاهد یک چرخش اساسی در جهت نزدیک شدن هرچه بیشتر واشنگتن و دهلی نو هستیم، به طوری که این نزدیکی تا سطح یک رابطه استراتژیک در بعد از ۲۰۰۱ به پیش می‌رود. حال با توجه به روند خیزش چین سیاست خارجی آمریکا به دنبال ایجاد توازن نرم و مهار قدرت رو تزاید چین از طریق سیاست رو به شرق است از همین رو، سؤال این مقاله گردآوری شده با اسناد کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی-توصیفی، این است که جایگاه و اهمیت هند در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا با تأکید بر مهار خیزش چین چیست؟ و در پاسخ به این پرسش فرضیه مطرح شده این است که جایگاه هند در سیاست خارجی آمریکا به سبب قابلیت هسته‌ای بودن، جمعیت فراوان، نزدیکی جغرافیایی به چین، قدرت رو به رشد اقتصادی و ارزش‌هایی همسو با غرب چون دموکراسی در جهت مهار نفوذ و گسترش قدرت چین مورد توجه بوده است. برای بررسی موضوع در ادامه سیاست خارجی ایالات متحده در شرق آسیا، روابط هند و چین در نظام بین‌الملل پساجنگ سرد و جایگاه هند در سیاست خارجی ایالات متحده در مقابله با قدرت‌یابی چین پرداخته خواهد شد. یا توجه به سیاست خارجی آمریکا در راستای مهار قدرت چین مباحث در چارچوب نظری موازنه نرم مورد واکاوی قرار خواهند گرفت.

چارچوب نظری

جایگاه دولت‌ها تحت تأثیر عوامل مهم و تأثیرگذار دچار تغییر و جابجایی می‌شوند اگرچه امروزه در جهان چندقطبی قرار داریم اما کشورهای متعدد تلاش داشته‌اند تا در حوزه‌های خاصی به سوی یک قدرت هژمون پیش بروند به‌ویژه آنکه کشور تحول‌خواه نیز باشند؛ بنابراین دور از نظر نیست که در عرصه بین‌الملل نیز دست‌یابی به هژمون در مقابل با مفهوم ثبات هژمونیک قابل بیان باشد (امیدی، رشید، ۱۳۹۴: ۱۳۰). رویارویی با قدرت هژمون جدید مبنای نظری موازنه نرم توسط رابرت پاپ^۱ مطرح شده است. طبق این نظریه هدف از ایجاد

¹ Rabert Pape

موازنه نرم را می‌توان خنثی کردن عملکرد دولت در حال رهبری بدون مقابله مستقیم دانست. معیار موفقیت موازنه نرم، تنها کنار گذاشتن یک سیاست از سوی ابرقدرت نیست، بلکه حضور دولت‌های بیشتر در ائتلاف موازنه گر علیه ابرقدرت نیز معیار خوبی است. به عبارت دیگر، اگرچه موازنه نرم قادر نخواهد بود از دسترسی قدرت هژمون به اهداف نظامی خاص خود در کوتاه‌مدت جلوگیری کند ولی می‌تواند هزینه آن را در استفاده از قدرت خود افزایش دهد و نیز تعداد کشورهای احتمالی را برای همکاری با هژمون در آینده کاهش دهد. قدرت‌های درجه دوم می‌توانند با ایجاد پیمان‌های دسته‌جمعی در برابر قدرت هژمون که نیاز به همراهی دیگر قدرت‌ها جهت عملی کردن برخی اهداف خود دارد، ایستادگی کنند. این مسئله ضمن آنکه سبب می‌شود تا اعتماد این قدرت‌ها به توانایی ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون افزایش یابد، موجب تشویق دیگر دولت‌ها در جهت پیوستن به ائتلاف می‌شود (رحمانی و میری، ۱۳۹۴: ۶۸). موازنه دهنده نرم سعی می‌کند با ایجاد شرایط سخت‌تر برای دولت در حال رهبری یا ائتلافش از طریق افزایش هزینه‌های حفظ وضع موجود از طرق زیر اقدام نماید: الف- عدم پذیرش سرزمینی؛ قدرت‌های برتر اغلب از دسترسی به سرزمین دیگر کشورها جهت اسکان نیروها و عبور و مرور نیروهای هوایی و دریایی شان سود می‌برند. در دسترسی سرزمینی توسط سایر کشورها، موفقیت قدرت هژمون را در پیروزی کاهش می‌دهد.

ب- دیپلماسی گیر انداختن؛ حتی قدرت‌های برتر در سطح نظام بین‌الملل نیز نمی‌توانند قوانین و مقررات مهم سازمان‌های بین‌المللی را نادیده گرفته و به اهداف خود بدون اهمیت دادن به آن‌ها دست یابند. در همین راستا دولت‌ها می‌توانند با استفاده از نهادهای بین‌المللی و سایر اقدامات دیپلماتیک برتری قدرت هژمون را برای جنگ یا حمله کاهش داده و فرصتی برای آمادگی بیشتر به دولت هدف حمله بدهند. فرایندی که می‌توان از آن تحت عنوان "خرید زمان" نام برد.

ج- تقویت قدرت اقتصادی؛ قدرت نظامی دولت‌هایی را تهدید می‌کند که اهدافی را در جهت ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون دنبال می‌کنند. لکن قدرت عظیم اقتصادی می‌تواند پشتوانه خوبی باشد. در این راه ایجاد بلوک‌های اقتصادی انحصاری بدون حضور قدرت هژمون و بالا بردن رشد اقتصادی و تجاری بین اعضا می‌تواند کارگر افتد.

د- عزم راسخ برای موازنه؛ قدرت‌های درجه دوم می‌توانند با ایجاد پیمان‌های دسته‌جمعی در برابر قدرت هژمون که نیاز به همراهی سایر قدرت‌ها جهت جامعه عمل پوشیدن به برخی اهداف خود دارد، ایستادگی کنند. این مسئله ضمن آنکه سبب می‌گردد تا اعتماد این قدرت‌ها به توانایی ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون افزایش یابد، موجب ترغیب سایر دولت‌ها در جهت پیوستن به ائتلاف می‌گردد (رضایی، ۱۳۸۷: ۲۸۶).

کشورها به دلایل زیر به برقراری موازنه نرم اقدام می‌کنند: ۱- رفتار نظامی قدرت هژمون، هرچند نگرانی‌هایی را در پی نداشته باشد و برای حاکمیت ملی قدرت‌های درجه دوم، چالش جدی ایجاد نکند. ۲- دولت هژمون یک منبع مهم خیر عمومی در عرصه‌های امنیتی - اقتصادی است و به راحتی نمی‌توان دیگران را جایگزین آن کرد. پس باید به ایجاد موازنه روی آورد. ۳- دولت هژمون نمی‌تواند به راحتی اقدام‌های انجام شده در قالب موازنه نرم را تلافی کند. هم به این دلیل که تلاش‌های موازنه دهنده دیگران خیلی آشکار نیست و هم به دلیل اینکه آن‌ها به صورت مستقیم موقعیت قدرت او را با ابزار نظامی به چالش نمی‌کشند (شفیعی و کمائی زاده، ۱۳۸۹: ۵۶). با توجه به رویکردهای بالا، تجدید روابط آمریکا و هند به عنوان یک اتحاد استوار نهادینه شده علیه خیزش چین را در قالب نظریه موازنه قوای نرم می‌توان تحلیل کرد. از این نظر، هند به عنوان قدرتی جهت برقراری ایجاد موازنه ایالات متحده در برابر چین شناخته می‌شود.

چین و سیاست خارجی ایالات متحده در شرق آسیا

چین پس از مرگ مائو تسه اصلاحات بزرگ اقتصادی را اجرا کرد که پایه اصلی آن آزادسازی اقتصادی و برقراری بازار آزاد در سیستم اقتصادی بود و توانست دستاوردهای

بزرگی در دهه‌های اخیر برای توسعه صنعتی چین به ارمغان آورد. هدف چین از اصلاحات اقتصادی تعامل با جامعه بین‌المللی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصاد بازار آزاد و حضور فعالانه در سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای در راستای رسیدن به جایگاه ابرقدرتی در قرن ۲۱ بوده است. از این رو، سیاست خارجی خود را بر اساس افزایش اعتبار به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی مسئول و همگرا قرار داده تا به همسایگان اطمینان دهد که رشد اقتصادی چین برای سایر کشورها تهدیدزا نیست. پذیرش چندجانبه‌گرایی و شرکت در ائتلاف‌ها و ابتکار در ایجاد سازمان همکاری مؤید این جهت‌گیری است. کیسینجر در کتاب دیپلماسی آمریکا در قرن بیست و یکم پیدایش چین قدرتمند در قرن بیست و یکم را با ظهور آلمان قدرتمند در قرن نوزدهم مقایسه می‌کند که پیامد آن به دو جنگ جهانی ختم گردید (کیسینجر، ۱۳۸۳: ۲۱۶). چشم‌انداز جابه‌جایی قدرت‌ها تا سال ۲۰۲۵ به صورت زیر خواهد بود:

۱- سلسله‌مراتب قدرت و رأس ماندن آمریکا به صورت قدرت درجه اول و عملکرد هژمون طلبانه؛

۲- افول آمریکا به قدرت درجه دو و صعود چین به قدرت درجه‌ی یک،

۳- برابری قدرت آمریکا و چین و به وجود آمدن یک جهان دوقطبی با دو قطب کامل برابر؛

۴- به وجود آمدن جهان چندقطبی با قطب‌های برابر آمریکا، چین، روسیه، هند و...؛

۵- تقسیم قدرت در جهان به طوری که با افول نسبی آمریکا و صعود چین، هند و...، قدرت‌های نزدیک به یکدیگر به وجود می‌آیند و در رأس قدرت‌ها همچنان آمریکا خواهد بود، اما عملکرد هژمون طلبانه‌ی این کشور را قدرت‌های دیگر محدود می‌نمایند. چین با قدرت اقتصادی و روسیه با قدرت نظامی خود، نوعی تقسیم قدرت به صورت منطقه‌ای را به وجود می‌آورند (امیدی، رشید، ۱۳۹۴: ۱۳۶). پکن با درک نگرانی‌های کاخ سفید برای مدیریت نگرانی‌هایی که لاجرم مقارن تعقیب نفوذ و رهبری بین‌المللی بیشتر هستند، راه‌های مختلفی را آزموده است. در سال ۲۰۱۲، شی جین‌پینگ یک نوع تازه از رابطه قدرت بزرگ

را پیشنهاد کرد که بر موافقت ایالات متحده با وقتی این تلاش نافرجام ماند، رسانه‌های چین به تلاش‌های خود خواسته‌های چین در ارتباط با طیفی از مسائل مبتنی بود. برای مشروعیت زدایی از رهبری بین‌المللی شدت بخشیدند و درعین حال بر حمایت کشور از ایجاد یک نظم بین‌الملل عادلانه‌تر تأکید کردند. یکی از سرمقاله‌های گلوبال تایمز، روزنامه‌ای تحت مالکیت پیپلز دیلی، توضیح می‌دهد که چین موافق جایگاه هژمونیک ایالات متحده در نظم جهانی نیست. این مقاله می‌گوید که چین فعالانه و عمل‌گرایانه در تلاش است تا یک نظم جهانی همه‌گیر و تازه ایجاد کند؛ و در ادامه تأکید می‌کند که هدف از تدارک کالاهای عمومی تقویت سلطه غرب و هژمونی ایالات متحده نیست؛ بلکه یک نظم جهانی جدید عادلانه و چندجانبه و یک حکمرانی جهانی حقیقی، همه‌گیر و مشورتی است (مازار و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۶). با این حال بر اساس چرخه هژمونیک باید گفت استراتژی‌های بلندمدت چین، همراه با توسعه اقتصادی شتابان، نگرانی‌های ایالات متحده و همسایگان چین از قدرت‌یابی این کشور را در دهه‌های اخیر افزایش داده است. اولین واکنش نسبت به صعود قدرت اقتصادی - نظامی چین از سوی رئیس‌جمهور آمریکا در نوامبر سال ۱۹۹۶ ابراز گردید. با انتخاب جورج دبلیو بوش به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۰۰، چین به‌عنوان یک تهدید خاموش و رقیب استراتژیک برای آمریکا معرفی شد. ایالات متحده آمریکا از اواسط دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، نگرش خود نسبت به چین را از یک شریک استراتژیک به یک رقیب استراتژیک تغییر داد. در دوره ترامپ و بر طبق دستورالعمل سیاست تجاری آمریکا در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، سیاست تجاری آمریکا باید هر چه بیشتر بر منافع ملی آمریکا متمرکز شود و برای همین امر هم باید با استراتژی امنیت ملی آمریکا هماهنگی داشته باشد.

بر اساس گزارش موسسه رند می‌توان ظرفیت‌های بالقوه چین برای تغییر نظام بین‌الملل را چنین بیان کرد:

ظرفیت بالقوه چین برای تغییر نظم بین‌الملل

نظم مطلوب چین	نظم بین‌الملل کنونی	
نهادهای		
شبیه نظم کنونی با سلطه کمتر ایالات متحده و نفوذ فزاینده چین بر نهادهای جهانی و هژمونی بر نهادهای منطقه‌ای	محوریت سازمان ملل با سازمان‌های منطقه‌ای دارای نفوذهای متفاوت؛ تحت سلطه ایالات متحده	سیاسی: سازمان ملل، گروه ۲-۲، اتحادیه اروپا، آسه آن
شبیه به نظم کنونی با نقش پررنگ نهادهای تحت رهبری چین، از بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا گرفته تا شراکت اقتصادی جامع منطقه‌ای؛ میزان هژمونی منطقه‌ای تدریجی مطلوب در این نهادها مشخص نبوده و احتمالاً لاینحل می‌ماند	حول محور نهادهای تحت سلطه غرب که قواعد را تعیین می‌کنند؛ هماهنگی چندجانبه (خصوصاً در بحران‌ها)	اقتصادی: سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، بانک جهانی، گروه ۸۱، بانک سرمایه‌گذاری اقیانوسیه/ شراکت اقتصادی جامع منطقه‌ای
حضور بسیار کمتر ایالات متحده در آسیا و خصوصاً در نزدیکی چین؛ معلوم نیست که آیا پکن خواهان توقف کامل تعهدات امنیتی ایالات متحده است یا نه؛ خواهان آزادی عمل بیشتر است، حتی اگر برخلاف قواعد باشد	همه نهادهای با بودجه غرب اداره شده و تحت سلطه آن هستند؛ ساختار اتحاد تحت رهبری ایالات متحده برای حفظ موازنه قدرت محلی	نظامی: ساختار اتحاد ایالات متحده؛ رژیم‌های جهانی کنترل سلاح (ان.پی.تی)

مجموعه قواعد		
مجموعه قواعد کمتر کارآمد که به رویکرد مطلوب چین، یعنی حمایت دولتی از صنایع، موانع ضد تعرفه‌ای مجال دهند؛ میزان استقلال مطلوب هنوز مشخص نیست، علیرغم استثناها از بسیاری از قواعد تبعیت کرده است	مجموعه قواعد مبسوط در سازمان تجارت جهانی و توافقات منطقه‌ای؛ شدیداً صریح و فراگیر	تجارت
شبهه به نظم کنونی با استثنای چشمگیر و فقدان اجرا که به چین امکان می‌دهد از اجرای قواعد ظفره برود	استانداردها و قواعد حاکم بر سیاست‌ها و رفتار شرکتی؛ چندجانبه اما عموماً مطابق استانداردهای غربی رفتار شرکتی	کسب و کار / اقتصاد بین‌المللی
شبهه به نظم کنونی با اجرای محدود قواعد، وقتی در قوانین داخلی گنجانده می‌شوند	قواعد چندجانبه تحت نظر سازمان بین‌المللی کار و دیگران	نیروی کار
شبهه به نظم کنونی با قابلیت نادیده‌گیری احکام به میل شخصی (بسیار شبهه به ایالات متحده)	دادگاه‌های چندجانبه احکام درباره موازین حقوقی را لحاظ و صادر می‌کنند، اما اجرای بسیار محدود	استانداردهای حقوقی بین‌المللی
تأکید کمتر بر مشروط بودن اما عدم گسست بنیادین از ماهیت رژیم جهانی توسعه؛ تهدید جدی برای نظم محسوب نمی‌شود	متکی بر وام‌های صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و دیگران، مشروط بودن کمک برای افزایش حکمرانی مطلوب در کشورهای پذیرنده	شرایط توسعه

هنجارها		
شبهه به نظم کنونی با محدودیت بیشتر بر قابلیت ایالات متحده در نادیده‌گیری قواعد، فضا برای نمایش قدرت چین در منطقه در صورت لزوم و درعین حال پایین‌تر از آستانه تهاجم جدی در صورت امکان	هنجار تمامیت ارضی مذکور در منشور سازمان ملل و منشورهای منطقه‌ای؛ تمرکز بر حاکمیت مستقل؛ قدرت اجرایی سازمان ملل	عدم تهاجم
فشار بین‌المللی بسیار کمتر و اجرای ضعیف‌تر هنجارهایی که تهدید برای کنترل حزب محسوب می‌شود؛ توافق با ایالات متحده بر سر محدودیت ساختن دیوان بین‌المللی کیفری	آرامانه‌ای بلند مذکور در کنوانسیون‌های متعدد؛ رویه پیچیده، میزانی از فشار تحت رهبری ایالات متحده/ غرب؛ قدرت‌های بزرگ نقش نهادهای پیشگام را نادیده می‌گیرند، لایحه رم، دیوان بین‌المللی کیفری	حقوق بشر
نظم کنونی با نظارت جدی‌تر چین در خصوص ابزار و شیوه‌های اجرا	رژیم بین‌المللی مبتنی بر معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با اجرای چندجانبه	عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای

منبع: (مازار و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۶)

بر اساس نگرانی‌های کاخ سفید است که استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷ می‌گوید که ما بر روابط اقتصادی متقابل و منصفانه برای تأمین موازنه تجاری پافشاری می‌کنیم اما این استراتژی در عمل با روی کار آمدن دولت ترامپ نسبت به دیگر دولت‌های آمریکا در این زمینه تهاجمی‌تر شده است که نمونه بارز آن رویکرد سرسختانه قوانین تجاری ملی است. در جولای ۲۰۱۸، آمریکا حقوق گمرکی ۲۵ درصد بر واردات چین وضع کرد که ارزش آن

۳۴ میلیارد دلار بود. این حقوق گمرکی عمدتاً به گروه محصولات فناوری پیشرفته نظیر قطعات هواپیما، باتری‌ها، تلویزیون‌های شیشه‌ای مسطح و تجهیزات پزشکی تخصصی تعلق دارد. نماینده تجاری امریکا بعد از اعمال اولین تعرفه‌های قانون ۳۰۱، فهرستی منتشر کرد که شامل ۶۰۰۰ کالا تجاری ساخت چین می‌شود. ارزش تعرفه‌های تجاری این لیست حدود ۲۰۰ میلیارد دلار است. بر هر یک از این محصولات در اواخر سپتامبر ۲۰۱۸ به میزان ۱۰ درصد حقوق گمرکی وضع شد و در یکم ژانویه ۲۰۱۹ این میزان به ۲۵ درصد رسید (درج و بصیری، ۲۴۹:۱۴۰۰). به‌غیر از رویکرد اقتصادی در جهت مهار چین افزایش قدرت نظامی امریکا، بازپس‌گیری منطقه نفوذ چین در آسیا، تقویت نیروهای نظامی خود و متحدان امریکا در شرق آسیا با تأکید بر نیروی دریایی و هوایی و فروش تسلیحات نظامی به متحدان امریکا در زمره مهم‌ترین اهداف ترامپ در منطقه پاسیفیک تدوین شد. امریکا برای دست یافتن به این اهداف لازم است اقداماتی انجام دهد از جمله: افزایش توانمندی‌ها برای مهار تهاجم و در صورت لزوم جنگیدن، حفظ و تقویت متحدان در منطقه، تلاش برای بهبود روابط مثبت با چین، تلاش برای برقراری رابطه با قدرت‌های جدید و نوظهور، افزایش توانمندی نظامی برای پاسخ به طیف گسترده‌ای از تهدیدهای امنیتی غیرتجاری در منطقه، افزایش توانمندی نظامی برای ایجاد ظرفیت شرکا در منطقه و ترغیب آن‌ها برای سهمین شدن در مسئولیت، افزایش توانمندی دولت امریکا برای شکل دادن به منطقه و نفوذ در آن و انجام این مسئولیت‌ها است. بدیهی است در کانون تمامی این اهداف و اقدامات، مهار چین قرار دارد (جمشیدی و همکاران، ۱۵۹:۱۳۹۹).

هند و چین در نظام بین‌الملل پساجنگ سرد

چین بزرگ‌ترین تهدید و رقیب هند در آسیا است بعلاوه سابقه اختلافات دو کشور بر سر اراضی وجود دارد و چند بار از جمله در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۲ بر سر این مسئله درگیر شده‌اند که در هر دو جنگ، هند شکست‌خورده است. اختلافات مرزی حل‌نشده با چین و

تفاهم استراتژیک پکن - اسلام‌آباد روشن می‌سازد کته هند ناگزیر است کوشش‌های خود را جهت ایجاد موازنه بیرونی با پیوستن ایالات متحده تکمیل کنند. با این توافقنامه هند به یک سهام‌دار مسئول جهت حفظ صلح و ثبات در سیستم بین‌المللی تبدیل می‌شود (شفیعی، فرجی نصیری، ۱۳۹۳: ۲۲). برای تضمین بیشتر قدرت و امنیت تلاش هند برای دستیابی به توان هسته‌ای در مقابل چین بوده است. در ادامه این رقابت‌ها خاک دو کشور به پایگاهی برای مخالفان یکدیگر تبدیل شده است و در سطح منطقه علیه همدیگر بلوک‌بندی‌هایی را تشکیل داده‌اند. پاکستان که بعد از چین مهم‌ترین تهدید علیه هند است با چین رابطه راهبردی دارد. در آسیای مرکزی چین به دلیل داشتن مرز مشترک طولانی و به تبع آن همکاری اقتصادی جای پای محکمی دارد. چین مهم‌ترین بازیگر اقتصادی و مهم‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در آسیای مرکزی است. حجم روابط چین با آسیای مرکزی یک‌صد برابر رابطه هند با این منطقه است. در حوزه انرژی نیز چین با فعال کردن جاده ابریشم هیچ فرصتی را برای منابع اضافی انرژی در آسیای مرکزی باقی نگذاشته است. به همین دلیل «خط لوله تاپی» نیز که هندوستان به آن امید دارد، ممکن است قابل بهره‌برداری نباشد (شفیعی، ۱۳۹۶: ۱۰۸). همچنین قابل ذکر است که گسترش نفوذ در منطقه آسیا، در درجه اول برای چین بسیار بااهمیت بود و این کشور تلاش کرد تا در حوزه جنوب و شرق آسیا برای رفع سوءبرداشت‌ها از نیات و مقاصد خود دستور کارهایی عملی اتخاذ کند، از جمله این اقدامات برگزاری اجلاس‌های سالیانه، تأسیس نهادهای منطقه‌ای، تلاش برای حل و فصل اختلافات مرزی و علاوه بر آن ملاحظه حساسیت ایالات متحده، در جهت تأمین مقاصد ملی خود است؛ اما همان‌طور که چین بارها اعلام کرده است سیاست خارجی این کشور از اهداف و لوازم توسعه اقتصادی تبعیت می‌کند. در واقع سیاست خارجی را راهی برای تحقق توسعه اقتصادی در نظر گرفته است (نک. سنبلی، ۱۳۸۶: ۹۲۶-۹۲۲). وجود یک کشور زیر پشتیبانی چین در پیرامون، تهدیدی جدی برای منافع هندوستان است و این مسئله از راه تلاش چین برای ارتباط با کشورهای آسیای جنوب شرقی که برخی از آن‌ها با هند همسایه هستند،

در حال انجام است؛ بنابراین طبیعی است که هندی‌ها نیز برای گسترش روابط نظرشان امی با آ.سه. آن تلاش کنند. از سوی دیگر، تلاش چین برای نفوذ در آ.سه. آن موجب هراس کشورهای آسیای جنوب شرقی شده و این مسئله زمینه توجه بیش از پیش این کشورها به هندوستان را فراهم ساخته است. در واقع یکی از دلایل توجه آ.سه. آن به هندوستان، رشد قدرت چین و به‌ویژه حضور ناوگان دریایی این کشور در این منطقه است؛ بنابراین کشورهای آ.سه. آن هندوستان را به‌عنوان یک نیروی دریایی بزرگ در اقیانوس هند، یک کشور باقابلیت‌های هسته‌ای و یک شریک استراتژیک برای رویارویی با رشد منطقه‌ای چین می‌شناسند (تیشه یار و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰). استراتژی رشته مرواریدها یک استراتژی ژئوپلیتیکی در مورد اهداف احتمالی چینی‌ها در منطقه اقیانوس هند است. این استراتژی به شبکه‌ای از امکانات تجاری و نظامی چین در امتداد خطوط دریای این کشور تا بندر سودان در شاخ افریقا اشاره دارد. این خطوط دریایی چند نقطه اصلی دریایی مهم مانند تنگه باب المندب، تنگه هرمز، تنگه مالاکا، تنگه لومبوک و سایر مراکز مهم دریایی در سریلانکا، بنگلادش، مالدیو، پاکستان و سومالی را به هم متصل می‌کند. بسیاری از مفسران در هند معتقد هستند که این طرح به همراه کریدور اقتصادی چین-پاکستان و ابتکار یک کمربند یک جاده یک تهدید برای امنیت ملی هند است. این طرح‌ها هند را محاصره کرده و تهدیدی برای قدرت، تجارت و تمامیت ارضی هند به شمار می‌روند (هادیان جزئی و بازوند، ۱۴۰۰: ۱۵۵). همچنین علاوه بر اختلاف‌های چین با کشورهای منطقه مشاخره هند و چین. در اکتبر ۱۱۳۳ بر اساس توافقنامه هند با ویتنام برای گسترش و ارتقاء اکتشاف نفت در دریای چین جنوبی شکل گرفت. چین ادعا می‌کرد هرگونه اکتشاف در دریای چین جنوبی نیازمند کسب مجوز از چین است؛ بنابراین هند برای فعالیت شرکت‌های گاز و نفت در این منطقه بخصوص در بلوک‌های ۱۲۷ و ۱۲۸ ویتنام بایستی اجازه کشور چین را کسب می‌کرد. پکن اصرار داشت که دهلی‌نو از ورود به معامله با شرکت‌های ویتنامی که مشغول کاوش نفت و گاز در این منطقه هستند خودداری کند زیرا که چین از حاکمیت غیرقابل‌انکار بر این

منطقه برخوردار است. این موضوع نشان‌دهنده آن است که چین به دنبال هژمونی در این منطقه است و حضور قدرت‌های دیگر را در این منطقه تحمل نمی‌کند (همان: ۱۵۸).

اهمیت هند برای آمریکا

بر اساس سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۲، سیاست این کشور در منطقه ایندوپاسیفیک به این شرح است: "ما حضور نظامی روبه‌جلو را که قادر به بازداشتن و در صورت لزوم، شکست هر دشمنی باشد، حفظ خواهیم کرد. ما روابط نظامی بلندمدت‌مان را تقویت خواهیم کرد و توسعه یک شبکه دفاعی قوی متشکل از متحدان و شرکایمان را ترغیب می‌کنیم. به‌عنوان مثال: ما در خصوص دفاع موشکی با ژاپن و کره جنوبی همکاری خواهیم کرد تا به سمت یک قابلیت دفاع ناحیه‌ای حرکت کنیم. ما همچنان آماده خواهیم بود تا به تهاجم کره شمالی با نیرویی منکوب‌کننده پاسخ دهیم و گزینه‌ها را بهبود خواهیم بخشید تا برای عاری سازی این شبه‌جزیره از سلاح هسته‌ای اعمال فشار کنیم. ما همکاری در زمین‌های اجرایی قوانین دفاعی و اطلاعاتی با شرکای خود در آسیای جنوب شرقی را بهبود خواهیم بخشید تا به این تهدید تروریستی روبه رشد پاسخ دهیم. ما ارتباطات قوی با تایوان را مطابق با سیاست چین واحد، از جمله تعهداتمان تحت قانون روابط تایوان برای تأمین نیازهای دفاعی مشروع تایوان و جلوگیری از اعمال زور، حفظ خواهیم کرد. ما همکاری دفاعی و امنیتی با هند، شریک دفاعی مهم آمریکا را گسترش خواهیم داد و از روابط روبه رشد هند در سراسر این منطقه حمایت خواهیم کرد. ما به اتحادهایمان با فیلیپین و تایلند جان دوباره می‌بخشیم و روابطمان با سنگاپور، ویتنام، اندونزی، مالزی و دیگران را برای کمک به آن‌ها به منظور تبدیل شدن به شرکای دریایی فعال تقویت خواهیم کرد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۸). در مقابل چین به‌طور مداوم از تلاش‌های آمریکا برای محاصره این کشور از طریق معماری دقیق طراحی‌شده‌ی نیروهای دریایی و پایگاه‌های زمینی از حاشیه اقیانوس آرام به سمت آسیای مرکزی می‌ترسد. برای روسیه، گسترش ناتو در شرق اروپا بسیار تهدیدکننده بوده است (امینی و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۰). از اینجا است که در راهبرد سیاست خارجی آمریکا

نزدیکی به هند تلاشی است تا از شکل‌گیری محور شرق جلوگیری کرده و مانع از به هم خوردن توازن قوای استراتژیک در آسیا توسط چین شود. موازنه‌ای که با رشد سریع و مداوم چین، برهم خوردنشان در آینده محتمل به نظر می‌رسد. از این رو هندی‌ها امروز در کانون توجه مقامات آمریکا قرار گرفته‌اند و از هند امروز به عنوان شریک استراتژیک ایالات متحده، پس از جنگ سرد، در منطقه و عامل مهار چین یاد می‌شود. در دوره ریاست جمهوری کلینتون، سیاست خارجی آمریکا به طور عمده بر چندجانبه‌گرایی تأکید داشت، گسترش روابط با تعداد بیشتری از کشورها خصوصاً بازیگران در حال ظهور اولویت یافت. در این مسیر هند به عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان و نیز قدرتی بزرگ و در حال رشد در آسیا مورد توجه قرار گرفت. در دوران بوش نیز گرچه آمریکا به یک‌جانبه‌گرایی روی آورد، اما نقش هند در دستور کار سیاست خارجی آن کاسته نشد، (سجادپور، ۱۳۹۱: ۹).

هرچند برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند هند باید اصل واگذاری مسئولیت به دیگران در سیاست خارجی خود را کنار گذارد و به طور مشخص برای دستیابی به اهداف خود اقدام نماید. از این رو به اتحاد هندو پاسیفیک که توسط دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا مطرح شده است بسیار خوشبین هستند. این عده از صاحب‌نظران هندی اعتقاد دارند از آنجا که هند به تنهایی توانایی مقابله و رقابت با چین را ندارد، اتحاد هندو پاسیفیک متشکل از آمریکا، ژاپن، استرالیا و هند می‌تواند بیش از گذشته تأمین‌کننده منافع هند باشد. به نظر می‌رسد طرح این اتحاد جایگزین دکترین آسیا محوری اواما در دوران ریاست جمهوری است (کاوه و محمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۰). قابل ذکر است که در دوره اواما، روابط هند و آمریکا بسیار فعال و مثبت بود و آمریکا تلاش داشت با استفاده از اهرم هند، هژمونی اقتصادی و نظامی چین را مهار کند و هند نیز با استفاده از فناوری‌های غرب، نوسازی تسلیحات نظامی و تنوع‌بخشی به آن را دنبال نماید؛ اما برخلاف دوره قبل و با توجه به عدم اطمینان دهلی‌نو از راهبرد دولت ترامپ در قبال پکن، دولتمردان هندی تاکتیک سیالیت و کثرت‌گرایی را در پیش گرفته‌اند و هم‌زمان با برگزاری نشست‌های مشترک با روسیه و چین و همکاری

نزدیک با این دو کشور در گروه بریکس از یک سو و نشست‌های چندجانبه با آمریکا، ژاپن و استرالیا از سوی دیگر، فضا سازی و توازن برای تأمین حداکثری منافع و امنیت خود را دنبال نمایند (همان: ۱۹۳).

جایگاه هند در راهبرد سیاست خارجی آمریکا در مهار چین

جایگاه هند در سیاست خارجی آمریکا به سبب وجود ظرفیت‌های این کشور در نظام بین‌الملل و به‌ویژه استفاده از آن در مقابله با چین به‌عنوان رقیب قدرتمند آمریکا است؛ به عبارت دیگر گسترش روابط دوجانبه و شکل‌گیری روابط راهبردی ایالات متحده آمریکا و هند در مقابله با چین به سبب جمعیت هند، وجود بسترهای همکاری نظامی و امنیتی، توان هسته‌ای هند، همکاری‌های اطلاعاتی، ارزش‌های همسو آمریکا و هند و توان اقتصادی هند است که در ادامه به هر یک از آن‌ها پرداخته خواهد شد.

جمعیت هند

پیش‌بینی‌ها بیانگر این است که در سال ۲۰۲۵، چین بیشترین جمعیت شهری را خواهد داشت و سپس هند در جایگاه دوم و آمریکا در رتبه‌ی سوم و روسیه در رتبه‌ی چهارم است. در مجموع باید گفت که بیشترین جمعیت شهری جهان در سال ۲۰۲۵ در چین و هند خواهد بود و این جمعیت یک نیروی بالقوه برای رشد و توسعه‌ی هرچه بیشتر این دو کشور است. جمعیت شهری آمریکا در سال ۱۹۶۰ به میزان ۱۲۶۴۶۲۴۷۳ نفر بوده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ به ۲۸۶۰۲۴۹۵۲ برسد. جمعیت شهری چین در سال ۱۹۶۰ به میزان ۱۰۸۰۸۵۳۵۲ نفر بوده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ به ۹۷۴۲۳۱۲۸۱ نفر برسد. جمعیت شهری هند در سال ۱۹۶۰ به میزان ۸۰۵۸۵۴۹۵ نفر بوده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ به ۵۱۰۳۷۸۶۸۲ نفر برسد. جمعیت شهری روسیه در سال ۱۹۶۰ به میزان ۶۴۴۲۱۸۵۷ نفر بوده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ به ۱۱۰۸۲۳۶۹۳ نفر برسد (امیدی، رشید، ۱۳۹۴: ۱۳۹). پس جمعیت به‌عنوان یکی از ارکان قدرت یک کشور برای چین و هند قابل توجه است.

بسترهای همکاری نظامی و امنیتی هند و آمریکا

چینی‌ها بر این باورند که هند امروزه در کانون توجه مقامات آمریکایی قرار گرفته و از آن به‌عنوان شریک راهبردی آمریکا در منطقه و عامل مهار چین یاد می‌شود که در بُعد دفاعی در حال تقویت توان خود است. در این راستا، علاوه بر همکاری‌های گسترده هسته‌ای دو کشور، در ژوئن ۲۰۱۰، قراردادی به ارزش ۳٫۳ میلیارد دلار منعقد کردند که بر اساس آن هند ۴۲ جت جنگنده اس. یو. ۳۰۰ هوا به هوا و هوا به زمین را خریداری کرد و توافق شد که شمار جنگ‌افزارهای این طرح تا سال ۲۰۱۸ به ۲۷۲ فروند رسید... خصوصیت بارز این جت‌ها این است که می‌توانند بدون توقف در فرودگاه جهت سوخت‌گیری تا اعماق کشور چین پرواز کنند. ایالات متحده در تلاش است با توسعه توان نظامی هند و افزایش نقش آن در مناسبات منطقه و همچنین در گیر کردن آن در برقراری نظم منطقه‌ای آسیا- پاسیفیک از نقش و تأثیر چین در این منطقه بکاهد؛ بنابراین، هند به مناسبات در حال رشد خود با آمریکا به‌عنوان دروازه‌ای مهم برای تبدیل شدن به قدرتی بزرگ نگاه می‌کند. اکنون هند هدف بلندمدت خود را تبدیل شدن به چهارمین یا پنجمین قدرت برتر اقتصادی دنیا تا سال ۲۰۲۰ تعیین کرده است که این خود می‌تواند نظم و ساختار منطقه‌ای را به ضرر پکن و متحدان آن در سطح منطقه شکل بخشد و به توسعه هر چه بیشتر مناسبات و همکاری‌ها میان دهلی و واشنگتن منجر شود (درج و بصیری، ۱۴۰۰: ۲۵۴).

بعضی از رسانه‌ها ادعا کرده‌اند که هند در آستانه پیوستن به ائتلاف اطلاعاتی آمریکا، بریتانیا، استرالیا، کانادا و نیوزیلند، موسوم به "پنج چشم" است. در گزارشی که سنجیب کومار باروآه، کارشناس امنیتی و روزنامه‌نگار از شبکه بهارات ای تی وی، در تاریخ ۲۰ اکتبر انتشار داد آمده است که "با نزدیک شدن فزاینده هند به ائتلاف به رهبری آمریکای ضد چین، پیش‌بینی می‌شود که ممکن است هند خود را برای پیوستن به یکی از قدیمی‌ترین شبکه‌های جاسوسی مشارکت اطلاعاتی به نام پنج چشم آماده کند." در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۲۰ هفته‌نامه خبری انگلیسی‌زبان ساندری گاردین، نوشت که هند، ژاپن و کشورهای عضو پنج چشم در

۱۱ اکتبر بیانیه مشترکی صادر کرده‌اند که می‌گوید "برای این که آژانس‌های اطلاعاتی و سایر نهادهای اجرای قانون بتوانند به ارتباطاتی که از طریق اپلیکیشن‌هایی مانند واتساپ، سیگنال و تلگرام صورت می‌گیرد، دسترسی پیدا کنند، لازم است که به‌طور سری وارد این ابزار شوند." گزارش اضافه می‌کند که هند به‌طور فزاینده‌ای به‌سوی همکاری با این ائتلاف کشیده می‌شود و نهایتاً بخشی از آن خواهد شد (BBC, 2020). از جمله پیمان‌های ایالات متحده و هند برای همکاری بیشتر در زمینه لجستیک و ارتباطات نظامی: ۱. موافقت‌نامه امنیت عمومی اطلاعات نظامی در سال ۲۰۰۲؛ ۲. تفاهم‌نامه تبادل لجستیک در سال ۲۰۱۶؛ ۳. توافقنامه سازگاری و امنیت ارتباطات در سال ۲۰۱۸ است (Choudhury, 2020). همچنین ایالات متحده و هند پیمانی را برای به اشتراک گذاشتن داده‌های ماهواره‌ای و نقشه‌های حساس امضا کردند. پمپئو بعد از دیدار با سوبره‌مانیام جایشانکار، وزیر امور خارجه هند و راجنات سینگ، وزیر دفاع هند در نشست خبری گفت: "چون دموکراسی‌های ما برای محافظت بهتر از شهروندان دو کشورمان و در واقع از جهان آزاد، اتفاقات بزرگی در حال رخ دادن است. رهبران ما و شهروندان ما با وضوح فزاینده‌ای می‌بینند که حزب کمونیست چین دوستی با دموکراسی، حاکمیت قانون، شفافیت و آزادی کشتیرانی، پایه و اساس یک هند و اقیانوس آرام آزاد و باز و مرفه نیست. در ادامه خبر آمده است که ایالات متحده قصد دارد هواپیماهای جنگنده و پهپادهای بیشتری را به هند بفروشد. این پیمان به هند امکان دسترسی به طیفی از داده‌های توپوگرافی، دریایی و هوانوردی را می‌دهد که برای هدف‌گیری موشک‌ها و پهپادهای مسلح ضروری است" (Arora & Miglani, 2020).

توان هسته‌ای هند

هند در سال ۱۹۷۴، اولین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد بعد از آن، آمریکا محدودیت‌هایی در زمینه مواد و فناوری هسته‌ای به هند تحمیل کرد و کانادا کمک به برنامه هسته‌ای هند را رها نمود. هسته‌ای هند در ۱۹۷۴ م. باعث سردی روابط آمریکا و هند

شده بود. بعد از آزمایش هسته‌ای، آمریکا محدودیت‌هایی در زمینه مواد و فناوری هسته‌ای به هند تحمیل کرد و کانادا کمک به برنامه هسته‌ای هند را رها نمود. با روی کار آمدن ایندیرا گاندی در سال ۱۹۸۰ م. برنامه هسته‌ای هند شتاب بیشتری گرفت. هند ابتدا به توسعه برنامه‌های موشکی خود پرداخت و تا سال ۱۹۹۶ م؛ کلاهک هسته‌ای ساخت که قابلیت قرار گرفتن بر موشک پرتوی - ۱ را داشت (سجادپور و کریمی، ۱۳۹۰: ۲۳۰) باید گفت هم هندوستان و چین احساس کرده‌اند که قابلیت هسته‌ای جهت حفظ یا افزایش قدرت ملی و حفاظت از حاکمیت دولت مؤلفه‌ای ضروری است. برای هندوستان قابلیت‌های هسته‌ای و موشکی به معنای بهبود قدرت نظامی و افزایش توان بازدارندگی هسته‌ای است و اگرچه قابلیت‌های هسته‌ای به این معنا نیست که در جنگ آن را مورد استفاده قرارداد اما دولتمردان هندی به خوبی از قدرت معاوضه‌ای تسلیحات هسته‌ای آگاه هستند. قدرت بازدارندگی سلاح‌های هسته‌ای همراه با افزایش قدرت اقتصادی به‌طور کلی قدرت چانه‌زنی را بالا می‌برد؛ بنابراین هدف از افزایش جامع قدرت ملی از نظر دولت‌مردان هندی حفظ حاکمیت تصمیم‌گیری در عرصه‌های مختلف بین‌المللی، اقتصادی و سیاسی و در نتیجه محافظت از توانایی هندوستان برای توسعه در سال‌های آتی است. قدرت موشکی چین که در واقع رسته‌ی دوم توپخانه محسوب می‌شود از سال ۱۹۸۰ در حال دگرگونی و تحول است و از سال ۱۹۸۵ رسته‌ی دوم توپخانه از سمت نیروی بازدارندگی هسته‌ای بر اساس نیروی نظامی و موشک‌های با برد متوسط به سمت نیروی هسته‌ای همراه با موشک‌های میان برد و قاره‌پیما حرکت کرد.

امروزه راهبرد سیاست خارجی آمریکا ضرورت پذیرش قدرت هند حتی تا مرحله همکاری بوده است. وزیر امور خارجه وقت کاندولیزا رایس در سال ۲۰۰۶ همکاری هسته‌ای با هند را به چند دلیل بیان کرد:

۱- بهره‌مندی آمریکا از امنیت در آسیای جنوبی با آوردن هند به جریان اصلی منبع گسترش سلاح‌های هسته‌ای.

۲- بهره‌مندی و سود مصرف‌کنندگان انرژی در بازار جهانی انرژی به‌ویژه سوخت‌های مبتنی بر کربن.

۳- بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم از طریق کاهش کربن و تولید گازهای گلخانه‌ای.

۴- منفعت و بهره‌مندی از سود بیشتر در کسب‌وکار آمریکا از طریق فروش راکتورهای هسته‌ای، سوخت و خدمات پشتیبانی به هند.

۵- پیشرفت و سود گسترده‌تر آمریکا و هند با افزایش مشارکت جهانی دو کشور (Sidhu, 2013:55).

همکاری‌های اطلاعاتی آمریکا و هند

در نشست‌های گفتگوی سایبری ایالات متحده و هند یا یک مکانیسم جدید در سطح کاری، ایالات متحده باید فرصت‌هایی را برای کمک به هند برای بهبود انعطاف‌پذیری خود در برابر حملات سایبری چین شناسایی کند. حمله اکتبر ۲۰۲۰ چین به شبکه برق بمبئی یک شات هشدار بود که نشان می‌دهد هکرهای چینی قبلاً شبکه‌های زیرساخت‌های حیاتی هند را به خطر انداخته‌اند (Markey, 2021)؛ بنابراین فرصت برای ایالات متحده به‌منظور تقویت ظرفیت همکاری با هند برای دفاع در برابر تجاوز چین و ارائه کمک‌هایی که به هند کمک می‌کند تا از تجاوزات آینده چین جلوگیری کند به وجود می‌آید. بعلاوه باید یادآور شد که هند تاکنون با مجازات شرکت‌های چینی و تعلیق تقریباً تمام همکاری‌های دوجانبه دولت واکنش نشان داده است. سال ۲۰۲۰، هند به‌طور ناگهانی ده‌ها برنامه چینی از جمله وی‌چت و تیک‌تاک را ممنوع کرد. هند همچنین قوانین سرمایه‌گذاری خارجی را تشدید کرد و عملاً سرمایه‌گذاران چینی را از بخش فناوری در حال رشد هند منجمد کرد. هند هواوی و زد تی ای را از آزمایش‌های 5G خود منع کرده و خریدهای عمومی را تشدید کرده تا مشارکت شرکت‌های چینی را سخت‌تر کند. بهر حال در حال حاضر، هند عضو نهادهای چندجانبه

تحت سلطه چین مانند بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی)، RIC (روسیه، هند، چین) و سازمان همکاری شانگهای است (Dhume, 2021).

اهمیت هند همسو با ارزش‌های آمریکا

از آنجا که چین به هژمون تبدیل نشده است، در مورد تعهد ایدئولوژیک این کشور به نظام سرمایه‌داری، نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد. گرچه چین مسیر اقتصاد سرمایه‌داری دولتی را دنبال می‌کند اما با توجه به سیاست‌های رهبران چین که هنوز هم در سیاست‌های اعلانی، خود را سوسیالیست می‌دانند و از آنجا که لیبرال دموکراسی که از ارکان اساسی نظام سرمایه‌داری محسوب می‌شود، در این کشور جایگاهی ندارد، اراده‌ای در جهت تعهد ایدئولوژیک به این نظام از سوی آنان دیده نمی‌شود. همچنین این موضوع مشروعیت آنان در رهبری این گونه از نظام ارزشی را نیز زیر سؤال می‌برد. در برابر ایالات متحده که اکنون در موقعیت ابرقدرتی و هژمون (دستکم از نظر سیاسی و امنیتی و نه مالی) قرار دارد، در این زمینه هم به این نظام متعهد و هم در دفاع از آن مشروعیت لازم را دارد که این موضوع کفه ترازو را به نفع آمریکا سنگین‌تر می‌کند. به عبارت دیگر چین هنوز به مرحله‌ای نرسیده است که ارزشی جدید را در نظام بین‌الملل جایگزین کند و یا حتی ارزش کنونی را رهبری کند (کولایی و نیک‌نام، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

ایالات متحده نقض حقوق بشر از سوی کشورهای مختلف را بهانه‌ای برای مجازات و تحریم‌های یک‌جانبه علیه این کشورها قرار داده است. در این میان می‌کوشد تا این تحریم‌ها را از نظر حقوق بشری به شکلی طرح‌ریزی کند که سایر کشورها نیز به انجام اقدام مشابه روی آورند و نوعی عرف در مجازات علیه کشورهای ناقض حقوق بشر در سطح بین‌المللی به وجود آید (آقایی، براتی، ۱۳۸۹: ۳۲). همچنین ایالات متحده سعی داشته است تا برای حفظ هژمونی و ارتقای میزان مشروعیت نظام سیاسی از دید افکار عمومی بین‌المللی، کسب پرستیژ بین‌المللی، مدیریت افکار عمومی و جهت‌دهی به نظم جهانی

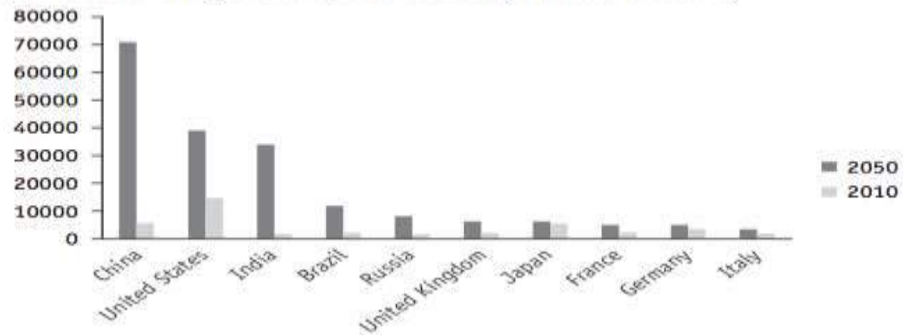
ارتباطات خود را با کشورهای دموکراسی از جمله کشور هند گسترش دهد چراکه، در مورد ارزش‌های سیاسی، کشور هند به‌عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان و یک نمونه ایدئال از نظر انتخابات آزاد و عادلانه شناخته می‌شود. مهم‌ترین ویژگی این کشور از نظر ایالات متحده نزدیک بودن به چین است. تلاش ایالات متحده کمک به رشد اقتصادی و نظامی مراکز قدرت همسو با ارزش‌های دموکراتیک خود در آسیا است که هدفشان مهار قدرت چین و مقابله با تسلط بر منطقه است مشارکت هند در توازن آسیایی نوظهور در این راستا ارزیابی می‌گردد. ستایش دموکراسی هند یک روش مؤدبانه مناسب برای نشان دادن عدم وجود دموکراسی در چین است.

اهمیت هند برای مهار اقتصادی چین در سیاست خارجی آمریکا

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و از بین رفتن خطر کمونیسم برای جهان سرمایه‌داری و در رأس آن آمریکا، توجه دولتمردان آمریکا همچنان به شرق و دیگر قدرت بزرگ این منطقه معطوف شد. رشد چشمگیر اقتصادی چین در پی اصلاحات اقتصادی آغاز شد که از سال ۱۹۷۸، در دستور کار پکن قرار گرفته است. از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۵، میانگین نرخ رشد اقتصادی چین حدود ۱۰ درصد بوده و این رشد در بخش‌های مختلف اقتصادی و نیز در زمینه‌های مختلف شامل تولید، صادرات، سرمایه‌گذاری و مؤلفه‌های مختلف رقابت‌پذیری مشهود است. همچنین، سهم این کشور از تجارت جهان در سال ۱۹۷۷ به میزان ۰٫۶ درصد بوده که تا سال ۲۰۰۳ به ۶ درصد رسید و پس از آن نیز به سرعت افزایش یافت تا اینکه چین در سال ۲۰۱۲ به بزرگ‌ترین دولت تجاری جهان تبدیل شد. در سال ۱۹۷۸، باینکه چین ۲۵ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده بود، اما فقط ۰٫۵ درصد تولید ناخالص جهان را تأمین می‌کرد. در سال ۱۹۹۰ سهم چین از تولید ناخالص جهان کمتر از ۲ درصد بوده و تا سال ۲۰۱۵ به ۱۵ درصد رسید که تا

امروز همچنان رو به افزایش است. در سال ۲۰۰۴، چین پس از ایالات متحده، آلمان، ژاپن، انگلیس و فرانسه بزرگ‌ترین اقتصاد جهان محسوب می‌شد.

Figure 4.1. GDP of Major Powers, 2010 vs. 2050 (in billions of dollars)



در سال ۲۰۱۰، چهار اقتصاد از پنج اقتصاد برتر جهان بخشی از غرب بودند. به گفته گلدمن ساکس، در سال ۲۰۵۰، ایالات متحده تنها قدرت غربی خواهد بود که به پنج کشور برتر راه پیدا می‌کند. اگرچه ایالات متحده در سال ۲۰۵۰ رتبه دوم را خواهد داشت، اما اقتصاد آن بسیار کوچک‌تر از چین خواهد بود. گلدمن ساکس پیش‌بینی می‌کند که تولید ناخالص داخلی چین باید تا سال ۲۰۲۷ با تولید ناخالص داخلی آمریکا برابری کند و سپس به طور پیوسته پیشرفت کند. تولید ناخالص داخلی چهار کشور پیشرو در حال توسعه (برزیل، روسیه، هند و چین) احتمالاً تا سال ۲۰۳۲ با تولید ناخالص داخلی کشورهای پیشرو غربی امروزی برابری می‌کند. بانک جهانی پیش‌بینی می‌کند که دلار آمریکا سلطه جهانی خود را تا سال ۲۰۳۲ از دست خواهد داد. در ۲۰۲۵، دلار، یورو و رمنینی چین در یک سیستم پولی «چند ارزی» برابر می‌شوند (Kupchan, 2012).

همچنین، در گزارش امنیت ملی ایالات متحده آمریکا اهمیت هند برای این کشور این گونه ذکر شده است که ایالات متحده عهده‌دار یک تحول در روابط دوجانبه خود با هند شده است و بر مبنای اعتقاد راسخ به اینکه مصالح ایالات متحده یک رابطه محکم را با هند ایجاد می‌کند، امروزه با یک نگاه جدید به هند به عنوان یک قدرت جهانی روبه رشد که با هم منافع

مشترک داریم، می‌نگریم (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۶). در روابط تجاری اولاً این اعتقاد وجود دارد که رابطه هند با آمریکا مهم‌ترین رابطه خارجی هند را شکل می‌دهد و عوامل محرکه سیاست خارجی این دو کشور عمدتاً عبارت‌اند از امنیت جهانی، تجارت بلندمدت، سرمایه‌گذاری و نیاز به انرژی. هند به واسطه‌ی رشد اقتصادی پایدار و جمعیتش بعد از چین مهم‌ترین بازار برای کالاهای آمریکاب شمار می‌رود. هند با توجه به نیاز به تسلیحات و تکنولوژی پیشرفته نظامی، راه گسترش روابط با کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه کشورهای غربی را اتخاذ کرد. از سوی دیگر هند نیز تعریف جدیدی را در خصوص مسائل سیاسی و ائتلاف و دسته‌بندی‌های بین‌المللی خویش برگزید؛ بر اساس نگرش جدید در سیاست خارجی دهلی، اسرائیل و آمریکا بیش از هر کشور دیگری می‌توانستند به هند در سطح منطقه‌ای برای رویارویی با رقیب خویش یعنی چین و دشمن دیرینه خود، پاکستان کمک‌کننده و مثبت باشند (بصیری و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۴).

جمع بندی

از سال ۱۹۹۸ از زمانی که هند به فناوری اطلاعات و ارتباطات و انجام دومین آزمایش هسته‌ای دست یافت روابط این کشور به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک خود با ایالات متحده متحول شد و امروز هند به عنوان شریک مهم دفاعی برای ایالات متحده توسط کنگره نیز تعیین شده است که سبب شده تجارت دفاعی و تکنولوژی این کشور تسهیل شود. روابط نزدیک اوپاما و مودی نخست وزیر هند سبب پایداری زیاد و همکاری عملی بین دو کشور شد. مهم ترین دلیل همکاری آمریکا با هند بر اساس منافع خود و مراقبت از جایگاه خود در نظام بین الملل و رفع تهدید چین بوده است پس تلاش چین برای دستیابی به نفوذ و جایگاه از طریق مشارکت در نظم بین الملل یکی از عوامل نزدیکی آمریکا به هند محسوب می شود. مقامات چین با شدت بیش از پیش جنبه های نظم بین المللی ایالات متحده را هدف انتقادات خود قرار داده اند. باید گفت همان طور که نظم بین الملل بر نحوه رفتار چین تأثیر گذاشته است، چین هم بر ساختار و کارکرد نظم بین الملل در سال های آینده تأثیر خواهد گذاشت و نگرانی آمریکا این است که کشوری که ارزش ها، نظام اجتماعی و رویکرد آن در قبال برخی از مسائل مهم بین المللی تا این اندازه با رهبری کنونی نظم تفاوت دارد، افزایش قدرت و نفوذ خود نه تنها به ایجاد چالش های عمیق برای آمریکا بلکه به چرخه قدرت منتهی می شود. آمریکا به عنوان کشور بزرگ و قدرتمند می خواهد از حفظ نظم برای تعقیب منافع خود استفاده کند تا تحولات آتی با منافع ایالات متحده در تضاد نباشد و در چنین شرایطی است که نزدیک شدن به هند یکی از ابزارهای مهار چین به شمار می رود. وجود رقابت در روابط بین آمریکا و چین در کنار روابط رقابت چین با هند کمک می کند تا دو کشور آمریکا و هند به دنبال راه هایی برای استفاده از ظرفیت های یکدیگر باشند. با این حال، نزدیکی به چین، جمعیت هند و داشتن مدلی از ارزش های دموکراتیکی که آمریکا در سرتاسر جهان از آن ها دفاع می کند و ظرفیت اقتصادی و نظامی آن باعث می شود ک هند به عنوان شریک استراتژیک برای آمریکا تبدیل شود.

منابع

- آقایی، سید داوود رضا براتی (۱۳۸۹)، تأملی بر سیاست حقوق بشری آمریکا، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ش ۲۰۵-۲۰۶
- امیدی، علی؛ رشید، معصومه (۱۳۹۴)، جابه‌جایی قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۲۵ و پیامدهای سیاسی - امنیتی آن برای ایران، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی جهانی‌شدن سال ششم، شماره‌ی پانزدهم، صص ۱۵۷-۱۲۵
- امینی، آرمین؛ موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۲)، منطقه‌گرایی نوین و تهدید منافع آمریکا در آسیای مرکزی، فصلنامه راهبرد، زمستان ۱۳۹۲، سال ۲۲، شماره ۶۹، صص ۱۴۰-۱۱۵
- بصیری، محمدعلی و موسوی، حسام‌الدین و رعیتی نژاد، محمدعلی، ۱۳۹۱، خیزش نظامی چین، آمریکا و موازنه آسیایی، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره چهارم، تابستان
- تیشه‌بار، ماندانا؛ فتحی، محمدجواد؛ دشتگرد، مجید (۱۳۹۷)، رقابت هژمونیک هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرق آسیا (با تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی و نظامی)، دو فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان شماره دهم، سال ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۸۶-۶۵
- جمشیدی، سعید؛ دهشیری، محمدرضا؛ کشیشیان سیرکی، گارینه (۱۳۹۹)، سیاست خارجی و امنیتی دونالد ترامپ در منطقه ایندوپاسیفیک و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، نشریه آفاق امنیت، سال سیزدهم، شماره ۴۷، صص ۱۷۷-۱۴۹
- حافظ‌نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۱)، تبیین ژئوپلیتیک روابط قدرت در منطقه شبه‌قاره هند پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۳، پاییز، صص ۳۴-۱.

درج، حمید؛ بصیری، محمدعلی (۱۴۰۰)، تأثیر رقابت منطقه‌ای امریکا و چین بر معادلات و نظم منطقه‌ای در شرق آسیا، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۳۵، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۲۴۴-۲۴۳

رحمانی، منصور؛ میری، احسان (۱۳۹۴)، تأثیر مؤلفه‌های موازنه نرم چین و روسیه بر هژمونی ایالات متحده آمریکا، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۲، زمستان ۱۳۹۴، صص ۶۵-۹۵

رضایی، علیرضا (۱۳۸۷)، چین و موازنه نرم در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۷، صص ۲۹۸-۲۸۱

سجادپور، سید محمد کاظم؛ کریمی قهرودی، مانده (۱۳۹۰)، رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، شماره مسلسل ۵، صص ۲۲۷-۲۵۸

شفیعی، نوذر؛ فرجی نصیری، شهریار (۱۳۹۳)، ترتیبات سیاسی-امنیتی در جنوب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ملی ج. ا. ایران، فصلنامه سیاست پژوهی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۳، صص ۳۱-۹

شفیعی، نوذر (۱۳۹۶)، همکاری آمریکا و هند در بازی بزرگ قدرت در آسیای مرکزی، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۰۱-۱۱۶

شفیعی، نوذر؛ کمانی زاده، یونس (۱۳۸۹)، تبیین روابط چین و آمریکا در برابر سازمان همکاری شانگهای؛ بر اساس نظریه موازنه قوای نرم، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صص ۷۶-۵۱

شفیعی، نوذر؛ ماندنی، زهرا (۱۳۸۹)، معامله هسته‌ای آمریکا و هند: فرصت‌ها و چالش‌ها، دانشنامه، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۷۸، صص ۱۴۴-۱۲۳

صفوی، سید یحیی (رحیم)؛ شیخانی، عبدالمهدی (۱۳۸۹)، اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت ایالات متحده آمریکا در تهاجم نظامی به افغانستان، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره سوم، صص ۱-۲۴

کاوه، اسداله؛ محمدی، طاهره (۱۳۹۷)، روابط هند و چین: از همکاری اقتصادی تا رقابت استراتژیک، فصلنامه سیاست خارجی سال سی و دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۹۶-۱۶۳

کولایی، الهه؛ نیک نام، رضا (۱۳۹۳)، چالش راهبردی چین و ایالات متحده بر سر هژمونی جهانی، فصلنامه‌ی پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۱، زمستان ۹، صص ۱۸۲-۱۶۱

کیسینجر، هنری (۱۳۸۲)، دیپلماسی آمریکا در قرن بیست و یکم، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
مازار، مایکل؛ هیث، تیموتی؛ استو کاوالس، استرید (۱۳۹۸)، چین و نظم بین‌المللی، ترجمه: محسن محمودی، جواد عرب یارمحمدی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ۱۹ فروردین ۱۳۹۸

هادیان جزئی، ناصر؛ بازوند، مهدی (۱۴۰۰)، رشد چین و سیاست خارجی آمریکا و هند در قبال یکدیگر از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال چهاردهم، شماره ۲، پیاپی ۵۴، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۷۴-۱۴۹

Arora, N., & Miglani, S. (2020, OCT 20). Retrieved from U.S. warns of threat posed by China, signs military pact with India:

<https://www.reuters.com/article/us-usa-asia-india/u-s-warns-of-threat-posed-by-china-signs-military-pact-with-india-idUSKBN27C00A>

BBC. (2020, NOV 13). Retrieved from ای تحرکات نظامی چین و هند؛ دو قدرت هسته

<https://www.bbc.com/persian/world-features-54901179>: شونند؟ برای رویارویی آماده می

Choudhury, S.-R. (2020, OCT 27). Retrieved from India will get access to U.S. satellite data that can make military missiles more precise:

- <https://www.cnbc.com/2020/10/28/india-will-get-access-to-us-satellite-data-that-can-make-military-missiles-more-precise.html>
- Dhume, S. (2021, JUL 22). Retrieved from India, Like the U.S., Has Grown Impatient With China: <https://www.wsj.com/articles/india-china-modi-xi-new-dehli-beijing-11626983609>
- Ikenberry G. John(2000), *After Wars: Institutions, Strategic Restraint, and the Rebuilding of Order After Major Wars*, Princeton, N.J.: Princeton University Press, 2000.
- Kupchan, C. (2012, FEB 17). Retrieved from *The World in 2050: When the 5 Largest Economies Are the BRICs and Us*: <https://www.theatlantic.com/business/archive/2012/02/the-world-in-2050-when-the-5-largest-economies-are-the-brics-and-us/253160/>
- Markey, D. (2021, APR 19). Retrieved from *Preparing for Heightened Tensions Between China and India*: <https://www.cfr.org/report/preparing-heightened-tensions-between-china-and-india>
- Theguardian. (2021). Retrieved from *GDP projections from PwC: how China, India and Brazil will overtake the West by 2050*: <https://www.theguardian.com/news/datablog/2011/jan/07/gdp-projections-china-us-uk-brazil#data>